ابو علی مسکویه - زندگی و آثار

آذرشب، فرشته

ابوعلی الخازن احمد بن محمد بن یعقوب معروف به ابن مسکویه از سال 023 تا نهم صفر سال 124 هجری زیسته و به هنگام مرگ پیری فرتوت بوده است. مارگلیوث بسا نخستین کسی است از خاورشناسان معاصر که درباره سال تولد مسکویه سخن گفته است. وی در پیشگفتار ترجمه انگلیسی دو بخش پایانی و ذیل عبارت «مم (آکسفورد 1291-0291 م.) سال تولد مسکویه را سال 033 ه یا اندکی پیشتر دانسته است.

مسکویه خود در تجارب الامم در آغاز گزارش رویدادهای سال 043 هجری، از «طول مصاحبت و کثرت مجالست» با ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (م. 253ق) سخن می‏گوید و در حوادث سال 143 هجری گوید: «من در آن هنگام ندیم او بوده‏ام». بدین ترتیب، مسکویه در سال 143 می‏بایست نه کمتر 02 سال داشته باشد، یعنی می‏بایست در سال 023- ار نگوییم پیشتر- متولد شده باشد.

نشانه دیگری نیز هست که در ازای عمرش، بیش از تیعین سال تولدش، دلالت دارد، و آن همان بیت‏هایی از شعر اوست، که به گفته ثعالبی در «تتمه‏الیتیمه»، مسکویه در آن از کهنسالی و فرتوتی خویش می‏نالد. از آنهاست این دو بیت:

اصبحت اجرد والاحداث تجردنی

راب الجراد اذا استولی علی‏الشعب

وصرت دینا علی‏الدنیا لآخرتی

رسل المنایا تقاضاها و تمطل بسی

موهایم ریخته است و حادثه‏ها به سان ملخ‏ها که به جان گیاهان افتند، مرا از موی برهنه کنند. وامی شده‏ام به گردن دنیا از آن آخرتم که فرستادگان مرگ از دنیا باز پس خواهند و دنیا همچنان سر می‏دواند.

بنابراین، باتوجه به آن چه گفته شد و بنا به گفته یاقوت ( به نقل از ابن منده) وی در نهم صفر 421 (16 فوریه 1030 م) در گذشته است، می‏توان گفت که سال‏های زندگی‏اش از یک سده، کمتر نبوده است.ء (320-421ه) و این بدان معنی است که مسکویه یک قرن کامل در درخشان‏ترین ادوار تمدن اسلامی زیسته است. قرنی که به گفته آدام متز، قرن نهضت فرهنگی در جهان اسلام به شمار می‏رود و از آنجا که دولت آل‏بویه نیز در سال 320 بنیاد گرفت، پس مسکویه و این دولت، دو همگن‏اند که یک قرن کامل را باهم زیسته‏اند. قرنی که اوج توانمندی و شکوفایی این دودمان بوده است. زیرا سال‏های بازمانده این دولت، یعنی بیست و هفت سالی که پس از درگذشت مسکویه سپری کرده، به گفته محققان سال‏هایی است که آل‏بویه در آن رو به نشیب بوده و به سوی ناتوانی و نیستی پیش می‏رفته‏اند. از این رو، می‏توان گفت که مسکویه سند یا منبعی است دست اول برای بررسی روزگاری که در تاریخ سیاسی و فرهنگی اسلام و ایران، ویژگی‏های برجسته‏ای دارد و عصر تجزیه فرمانروایی خلفای عباسی به حساب می‏آید و این گفته مورخان تمدن، خود انگیزه‏ای برای تعدد مراکز علمی و سبب شکوفایی فرهنگی این مراکز و ظهور نوابع علمی در دانشگاه‏های جهان اسلامی آن روزگار، بوده است. زیرا امیران مستقل زمان، به علت هم‏چشمی و تفاخری که در میان خود داشته‏اند، در جذب دانشمندان و ادیبان به دربارهای خویش با یکدیگر به رقابت برمی‏خاسته‏اند که در بستر این رقابت‏ها مردانی برآمده‏اند همچون یحیی بن‏عدی (...364 ه) و ابن الخمار (331-...) و ابن سینا (373- 428ه) و ابوسلیمان منطقی (دهه نخست- آخرین دهه قرن دهه چهارم ه) و ابوریحان بیرونی (...-440) و ثعالبی (...-429ه) و بدیع‏الزمان همدانی (...- 389ه) و ابوبکر خوارزمی(...382ه) و ابوحیان توحیدی (000-400ه) و صاحب‏بن عباد (326-385ه) و معاصر ارشدشان مسکویه، که هرکدام به گونه‏ای و در زمینه‏ای می‏درخشیده‏اند و محیط داد و ستد فکری و فرهنگی آن زمان به وجود ایشان، گرم می‏بوده است. مردان سیاست نیز خود از دانشمندان و ادیبان بوده‏اند و مسکویه با همگی‏شان، پیوند فکری و فرهنگی نزدیک داشته است.

شخصیت علمی مسکویه

مسکویه با استعداد سرشار و تلاش خستگی‏ناپذیر خویش و به لطف گنجینه بزرگی از کتاب‏های گوناگون که در اختیار داشت و نیز شکوفایی علمی دوران آل بویه که در آن پرورش یافت، در رشته‏های مختلفی مانند: فلسفه، اخلاق، کیمیا، طب، تاریخ و شعر و ادب تبحر یافت، تا جایی که برخی او را پس از ارسطو و فارابی «معلم ثالث» لقب داده‏اند. چرا که حکمت نظری یونان را فارابی، تبیین و تکمیل کرد و حکمت عملی آن را مسکویه، نظم و انسجام بخشید. مورخان از استادان وی نامی نبرده‏اند و حتی معاصر وی ابوحیان توحیدی، او را از این جهت که استادان چندانی نداشته، مورد انتقاد قرار داده است. درواقع، مسکویه استادی نداشته و استاد او، تلاش، عشق به علم‏آموزی و کتاب‏های فراوانی بوده که دراختیار داشته است. او به زبان فارسی و عربی تسلط داشت و با زبان سریانی و پهلوی آشنا بود. مسکویه، در فلسفه و اخلاق، از آثار ترجمه شده ارسطو و افلاطون و جالینوس بهره جسته است و نوشته‏های وی بیشتر متاثر از آرای ارسطو در کتاب «نفس و اخلاق» نیکو ماخس است، اگرچه گاهی نیز درصدد جمع میان آرا یا ابداع نظر، برآمده است. وی در این زمینه از تالیفات دانشمندان مسلمانی چون ابن‏مقفع، فارابی، کندی و عامری نیز استفاده کرده است. علاوه بر این، به لطف اطلاع گسترده بر کتاب‏های تاریخی پیشین، از جمله تاریخ طبری و احاطه بر مسایل و وقایع حدود یک قرن حکومت آل بویه، اثر ارزشمندی چون تجارب‏الامم را ارایه کرد. او در پزشکی و علوم وابسته به آن، از زکریای رازی تأثیرپذیرفته است. مسکویه، علاوه بر ارتباط و معاشرت با وزیران دانشمندی چون صاحب بن عباد، مهلبی و ابن العمید، با فلاسفه‏ای چون ابن سینا معاصر و معاشر بود. درباره ملاقات وی با ابن سینا، گفته شده که بوعلی در جوانی در حلقه درس مسکویه حاضر شد و در میان انبوه شاگردان وی، گردویی را نزدش افکند و از او خواست که مساحت آن را به دست آورد. مسکویه چند ورق از کتاب اخلاق را نزد او افکند و گفت: تو اول اخلاق خویش را اصلاح کن تا من مساحت گردو را به دست آورم. زیرا تو به اصلاح اخلاق خویش محتاجتری، تا من به محاسبه مساحت گردو. مسکویه، با پزشکانی چون ابوطیب و ابوسهل مسیحی نیز معاشرت داشت و با ادیبانی چون ابوحیان توحیدی، بدیع‏الزمان همدانی و خوارزمی، گفت‏وگو و مکاتبه داشته است. چنانکه ابوحیان، در زمینه‏های مختلف ادب و فلسفه و اخلاق و مسایل اجتماعی عصر خویش، از او سوءالاتی کرده، که این پرسش‏ها و پاسخ‏های مسکویه در کتاب «الهوامل و الشوامل» گرد آمده است. بدیع‏الزمان نیز طی نامه‏ای از مسکویه بابت آنچه سخن‏چینان از جانب او به مسکویه گفته بودند، عذر می‏خواهد و او را در ضمن اشعاری، با عنوان مولای خود، مخاطب قرار می‏دهد. خوارزمی نیز با مسکویه دوستی داشته و در نامه‏ای محبت‏آمیز، وی را در مشکلات خانوادگی‏اش تسلی داده و در حق او دعا کرده است. مسکویه با گروه اخوان الصفا نیز معاصر بوده، ولی با آنها رابطه خوبی نداشته است، زیرا ایشان برخلاف مسکویه، اهداف سیاسی داشته، مخالف نظام حاکم بودند؛ به علاوه ایشان به دنبال ربط میان دین و فلسفه بودند و در میان اخلاق به تصوف گرایش داشتند.

استادان و شاگردان

استادان ابوعلی به درستی شناخته نیستند. چناانکه خود در «تهذیب» گوید، در جوانی به تشویق پدر به ادب و شعر روی آوردم. در جای دیگر از خواندن «استطالة‏الفهم» جاحظ یاد کرده است (نک جاویدان خرد5) که در آن از وجود «جاویدان خرد» هوشنگ شاه آگاه گردید. به گفته ابوحیان (الامتاع، 1و35) مسکویه در آغاز کار، سخت در اندیشه کیمیاگری بود و آن را نزد ابوطیب کیمیایی رازی می‏آموخت. نیز فریفته کتاب‏های محمدبن زکریای رازی جابربن حیان بود، به تاریخ هم توجه داشت و تاریخ طبری را نزد کامل (ه.م) که از مصاحبان محمدبن جریر طبری بود، خواند (ابوعلی، تجارب، چ قاهره 2/184) و علوم اوایل (دانش یونان) را نزد ابن خمار آموخت. وی در این علوم، به ویژه در منطق پزشکی، دستی قوی داشت، چنانکه او را بقراط دوم گفته‏اند (بدوی، 15-16). به گفته ابوحیان (همان 1/37) اکثر اعضای انجمن ابن سعدان، که مسکویه یکی از آنان بوده است، از مجلس ابن عدی برخاسته‏اند. گذشته از این، او از طریق دوستی با اعضای انجمن های علمی عصر و آمیزش با وزیران دانشمندی همچون ابوالفضل ابن عمید و برخورداری از کتابخانه‏های بزرگ آنان، دانش بسیاری اندوخته بود. خود نیز حلقه‏ها و مجالسی داشته که در آنها به تدریس می‏نشسته است. ابوسلیمان ضمن برشمردن آثار او گوید که این آثار در نشست‏های تدریسی نزد او، خوانده می‏شد. برخی، مسکویه را از استادان ابوحیان شمرده و کتاب «الهوامل و الشوامل» را که پاسخ مسکویه به پرسش‏های ابوحیان است، دلیلی بر این مدعا گرفته‏اند (حوفی، 1/31). اگر چنین باشد، «رساله فی مائیة‏العدل»، یا «مقالة فی مائیة‏الکیمیاء» را نیز باید بر «الهوامل و الشوامل» و دلایل دیگر شاگردی ابوحیان افزود، زیرا مسکویه این دو اثر را نیز در پاسخ پرسش‏های ابوحیان نوشته است. لحن شاگردانه ابوحیان در مقدمه «الهوامل» که مسکویه در مقدمه «الشوامل» خود به آنها اشاره می‏کند، نیز به این نظر، قوت می‏بخشد.

اندیشه‏های فلسفی

از ویژگی‏های تفکر او، توجه به اندرزنامه‏های ملل گوناگون است که آنها را در «جاویدان خرد» گرد آورده است. وی در تفکر فلسفی خود، بیش از همه از ارسطو و افلاطون است. برحسب موضوع‏ها و مباحث فلسفی گاه ارسطویی و گاه افلاطونی است. در «تهذیب الاخلاق» «والفوز الاصغر» علاوه بر این دو فیلسوف، از سقراط، جالینوس، فیثاغورس، فرفوریوس، پروکلوس (برقلس) نقل قول کرده و آراء آنان را مورد نقد قرار داده است. اما به رواقیان توجه چندانی نشان نمی‏دهد. وی در حوزه اسلام به فیلسوفانی همچون، کندی، ابوعثمان دمشقی (در تهذیب والفوز) و ابوالحسن عامری (در جاویدان خرد) نظر داشته است و به قرآن کریم و حدیث پیامبر (ص) و پیشوایان دین، استناد می‏کند و نتیجه کوشش‏های عقلانی فلاسفه و دعوت پیامبران را یک چیز می‏داند. ابوعلی بر این باور است که هر کس خود را بپیراید و بپرورد و رام عقل شود، از حسی و اوهام حسی دور خواهد شد و به جایی خواهد رسید که، حکیمان رسیده‏اند و چیزی خواهد دید که، حکیمان دیده‏اند و پیامبران، مردم را به سوی آن خوانده‏اند و این «چیز» هم به توضیح او، توحید و لزوم به کار بستن احکام عدل و اقامه سیاست‏های الهی بسته به زمان و شرایط است (الفوز 71-81) در حکمت نظری دو کتاب عمده از او یاد کرده‏اند: «الفوز الاصغر» و «الافوزالاکبر» اثر اخیر در دست نیست و ظاهرا بر سامان «الفوزالاصغر»، ولی به تفصیل نوشته شده است. ابوسلیمان «دو فوز صغیر و کبیر» را در فهرست آثار بوعلی آورده است. اقبال لاهوری، فلسفه مابعدالطبیعه مسکویه را از فلسفه فارابی، منظم‏تر دانسته و در مسیر تاریخی فلسفه، به جای جنبه نو افلاطونی ابن‏سینا، از «خدمت اصیل مسکویه به فلسفه کشورش» بر پایه همین «الفوزالاصغر» سخن گفته است. بخش نخست «الفوزالاصغر» در ده فصل مربوط به اثبات صانع یا خداشناسی است. بخش دوم این کتب نیز در ده فصل کوتاه و در شناخت نفس و معاد است. بخش سوم این کتاب در نبوت و حاوی 01 فصل است. اما در حکمت عملی، ابوعلی دارای سه اثر مهم است. «تهذیب الاخلاق»، «ترتیب‏السعادات» و «جاویدان خرد» . او برای نیل به کمال، تربیت بر پایه شرع را، به ویژه کودکی، شرط نخستین می‏داند و می‏افزاید که آنگاه آدمی باید در کتب استدلالی اخلاقی بنگرد تا ادب در نفس او به برهان استوار شود. به آموزش ریاضیات پردازد و به سخن و برهان درست خوی گیرد. سپس به ترتیب و منزلت آنها را بیان داشته است. در آن کتاب، درجات سعادت را بر حسب مکتب ارسطو باز نموده است. سعادت در این تقریر بر سه گونه است. سعادت روان، سعادت تن، سعادت بیرون از تن. سعادت روان، فرا گرفتن علوم و معارف و سرانجام وصول به حکمت است که بالاترین سعادت‏هاست. سعادت تن، مانند زیبایی، تناسب اندام و تندرستی، و سعادت بیرون از تن، مانند داشتن فرزندان خوب، دوستان خوب، رفاه، نژاد، و احترام اجتماعی (نک ص 362 قس: تهدیب 97). وی سپس در «تهذیب» (ص521) «عدالت» را حد وسط میان دو جور می‏داند، زیرا زیادت و نقصان، هر دو جور است و جور در دو طرف عدالت واقع شده است. چنان که فضایل حد وسط میان رذایلند.

ابوعلی در «تهذیب» همچنین از «طب‏النفوس» یا روان درمانی سخن رانده و به پیشگیری از بیماری‏های روانی و درمان آنها اشاره کرده است. بیشتر اخلاق نویسان بعدی نیز به گونه‏ای از «تهذیب الاخلاق» مسکویه تاثیر پذیرفته‏اند. در فلسفه سیاسی یا سیاست مدن، اثری از مسکویه بر جای نمانده است ولی کتابی در این باب، به نام «السیاسه للملک» به او نسبت داده‏اند (خوانساری، 1/255، امین 3/160 مدرس 8/208) چنین می‏نماید که فلسفه سیاسی مسکویه را در چارچوب بخش سوم حکمت عملی او باید بررسی کرد، که به احتمال بسیار بر همان شیوه فارابی و پیش از او ارسطو و افلاطون نوشته شده و امتیازهای روش شناختی مسکویه را با خود دارد. مسکویه، چنان که در علم اخلاق از او دیده‏ایم، هم در توضیح استدلالی اصول علم اخلاق کوشیده و هم در جزییات که همان استقرا در اندرزها و اندرزنامه‏ها و عملکردهاست، تلاش کرده است. نمونه نخست: کتاب «تهذیب‏الاخلاق» و نمونه دوم: کتاب «جاویدان خرد» و برخی آثار دیگر اوست.

القاب

نویسندگانی که از مسکویه نوشته‏اند، چه پیشینیان و چه پسینیان، وی را حکیم، متکلم، فیلسوف اخلاق مورخ، ریاضی‏دان، مهندس، زبان‏شناس، ادیب، شاعر، نویسنده باهوش، نقاد، تیزفهم بسیار آگاه برنامه‏های کهن و زبان‏های باستان خوانده‏اند. خواجه نصیرطوسی در اخلاق ناصری، از او به‏عنوان «استاد فاضل و حکیم کامل» یاد می‏کند. افزون بر لقب مسکویه، عنوان‏هایی، همچون خازن [رئیس کتابخانه‏قدس سره ندیم [همنشین سران آل‏بویه‏قدس سره داشته است. عنوان «معلم سوم» رابه وی نیز بخشیده‏اند. با آن که معاصرش پورسینا نیز نامزد این لقب بوده است. گویند: مسکویه را معلوم سوم بدان گفته‏اند که نقشی بی‏همتا داشته است. چنانکه هیچ مصنفی که حتی تا امروز در فلسفه اخلاق، کتابی نوشته، بر آن چه او آورده است، چیزی نیفزوده. «تهذیب الاخلاق»اش اوج سخن در فلسفه اخلاق اسلامی است که به خامه یک ایرانی به زبان تازی نوشته آمده است. شگفتی در این است که برجسته‏ترین کتابی که در زبان فارسی، هم در فلسفه اخلاق، در دست است، باز از آن مسکویه است. مقصود کتاب «اخلاق ناصری» است که خواجه نصیرطوسی آن را برپایه «تهذیب الاخلاق» (الطهاره) مسکویه به فارسی نوشته است. ابیات مخلصانه‏ای که خواجه نصیر درباره «تهذیب» و نویسنده‏اش مسکویه رازی، در زمانی پیش از نوشتن «اخلاق ناصری»، به تازی سروده و در مقدمه «اخلاق ناصری» آورده است، خود نشانه ارزش والایی است که خواجه برای کتاب «تهدیب» می‏شناخته و نشانه تأثیر بزرگی که مسکویه پیشاپیش، بر خواجه نهاده بوده است. گوید

بنفسی کتاب حاز کل فضیلة

وصار یتکمیل البریة ضامناً

موءلفه قد ابرز الحق خالصاً

بتألیفه من بعد ما کان کامناً

و وسهه باسم الطهارة قاضیاً

به حق معناه و لم یک مائناً

لقد بذل المجهود لله دره

فما کان فی نصح الخلائق خائناً

«جانم فدای کتابی که همه برتری‏ها را از آن خویش کرده و کامل کردن مردمان را ضامن شده است.»

«موءلفش، حق ناب را که پنهان بوده، هم با تألیفش آشکار کرده است.

«آن را نام، طهارت نهاده و حق معنی‏اش را بی‏هیچ دروغ بگزارده است.

«هیچ کوششی را فرو نگذارده و در اندرز مردمان هیچ دریغ نورزیده است.»

باری این لقب‏ها و عنوان‏ها که به مسکویه داده شده است، دلیل بر ژرفا و گسترده دانش او است که نشانه‏های دیگری را نیز پشتوانه خویش دارد. مقصود نوشته‏های پرارزش او است که فهرست آن را در این جا می‏آوریم.

آثار

نویسندگان متقدم و متأخر، آثار بسیاری شامل کتاب و رساله و قطعاتی از اشعار تازی و وصایا از ابوعلی مسکویه برشمرده‏اند که فقط از شماری از آنها آگاهی داریم و برخی نیز به طور پراکنده در آثار دیگران نقل شده است. آثار شناخته شده ابوعلی مسکویه از این قرارند:

الف: چاپی:1- تجارب‏الامم و عواقب الهمم، مشهورترین اثر تاریخی ابوعلی مسکویه که نسخ متعددی از آن در دست است و بخش‏هایی از آن چاپ شده است (نک ه د. تجارب الامم).

2- ترتیب السعادات و منازل العلوم، این کتاب با عنوان السعاده در مصر (1928 م) و با عنوان ترتیب السعادات در تهران (1314ق) در حاشیه مکارم الاخلاق طبرسی و در همان تاریخ در تهران به ضمیمه مبدأ و معاد ملاصدرا منتشر شده است. 2- تهذیب‏الاخلاق (طهارة الاعراق) در فلسفه اخلاق، که چند بار در هند، قاهره، استانبول و بیروت منتشر شده (نک.ه د، تهذیب‏الاخلاق) و حاوی نظریات مسکویه در حکمت عملی است (نک بخش اندیشه‏های فلسفی).

4- جاویدان خرد. (الحکمة الخالده) که بر پایه جاویدان خرد منسوب به هوشنگ پیشدادی است، حسن بن سهل آن را به عربی ترجمه کرده و مسکویه آن را به اتمام رسانیده است. این اثر که به نام «آداب العرب و الفرس» نیز شهرت دارد، در حکمت‏ها، و اندرزهای ایرانیان، هندیان، یونانیان و تازیان است. مسکویه نام باستانی اثر را تغییر نداده است. متن عربی کتاب و ترجمه‏های کهن فارسی آن تاکنون چند بار منتشر شده است (نک ه د، جاویدان خرد).

5- چند رساله و نوشته کوتاه فلسفی که برخی از آنها در دمشق، قاهره و لیدن منتشر شده است.

6- رساله فی دفع الغم من الموت (لماذا اخاف الموت). این رساله بخشی است از «تهذیب‏الاخلاق» مسکویه که مرن به نام ابن سینا ضمن مجموعه رسائل الشیخ الرئیس.... منتشر کرد، (لیدن، 4981م) و شیخو نیز ابتدا آن را بدون ذکر نام مولف در مجله المشرق به چاپ رساند و پس از آن در همان سال ضمن اشاره به اشتباه مرن از مسکویه به عنوان مولف این رساله یاد کرد (نک شیخو 839- 844- 960- 961، زریق 238- 239) متن موجود در تهذیب و متن این رساله، یکسان است (نک تهذیب 209-217، قس: ابن سینا 339-346) متن و ترجمه رساله مذکور در قم به سال 7431 ش منتشر شده است.

7- الفوز الاصغر، که مشتمل بر 3 مسأله است و چند بار منتشر شده است. از جمله در بیروت (1319ق) قاهره (5231ق) و نیز همراه فوزالسعادة در تهران (1314ق). 8- فوزالسعادة، به گفته آقابزرگ (الذریعة، 16/369) فوزالسعادة، مجموعه مقالاتی است ابتکاری که در ظهر الفوز الاصغر در 1314 ق به چاپ رسیده است. به گفته همو این اثر از ترتیب السعادات است (قس: خوانساری، 1/255).

9- لغز قابس (لوح قابس). این اثر که در واقع بخشی است از جاویدان خرد چندبار از جمله در مادرید (1793م) پاریس (1873م) و الجزایر (1898م) به چاپ رسیده است.

10- الهوامل و الشوامل، (هوامل، مجموعه پرسش‏های ابوحیان توحیدی و «شوامل» پاسخ‏های مسکویه به این پرسش‏ها است. این کتاب در 1370ق/ 1591م به کوشش احمد امین و احمد صفر از روی نسخه منحصر به فرد (مورخ 044ق) در قاهره به چاپ رسیده است.

ب: خطی: 1- رساله فی ذکر الحجرالاعظم که ظاهرا کیمیاست. نسخه‏ای از آن در دانشگاه تهران موجود است (مرکزی، خطی، 4/982- 983).

2- رسالة فی الکیمیاء نسخه‏ای از آن در کتابخانه خصوصی اصغر مهدوی معرفی شده است (همان، 2/153).

3- رسالة فی مائیة العدل، عنوان کامل آن در تنها نسخه موجود که در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‏شود (نک. آستان 13/173) چنین است: رساله الشیخ ابی علی احمد بن یعقوب مسکویه الی علی بن محمد ابن حیان الصوفی فی مائیه العدل.

4- کتاب الاشریة، در داروشناسی، گزیده‏ای از آن در کتابخانه صائب آنکارا موجود است. (نک. ششن، 1358 III/633 GASC)

5- کتاب فی ترکیب الباجات من الاطعمة (کتاب الطبیخ) نسخه‏ای از این اثر در کتابخانه احمد ثالث استانبول در دست است. (ششن GAS، همان‏جاها).

6- الکنز الکبیر، در کیمیا، نسخه‏ای از آن در کتابخانه بشیرآغا ) GAS. IV /192( موجود است.

7- ندیم الغرید (انس الغرید)، قندوزی حنفی (ص484- 485) احتجاج مامون را در جریان ولیعهدی امام رضا(ع) از این اثر مسکویه نقل کرده است. امینی نیز بخشی از آن را آورده است (1/212) همچنین در کتاب «مختصر فی الامثال و الاشعار» که در کتابخانه فاتح (ش 7925) نگهداری می‏شود، این احتجاج مورد استفاده قرار گرفته است. (نک. مرکزی، میکروفیلم‏ها 1/403-404).

بحث از زندگی و آثار مسکویه را با ذکر قسمتی از وصیت وی به طالبان حکمت به پایان می‏بریم.

ای جوینده حکمت! دل خویش را پاک کن و همت را بلند دار، که حکمت بزرگترین موهبت خداوندی است... بدان که عقل را به هر سو بگردانی، به همان سو رو آورد، اگر به سوی دین متوجه کنی، آن را به نحو عمیق و متقن می‏شناسد و اگر به دنیا متوجهش سازی، به همان‏سو متمایل می‏شود که ناپایدار و بی‏ثبات است.

نویسندگان و مورخان دیروز و امروز نیز از سال‏زاد او سخنی نگفته‏اند و تنها سال مرگ او را یاد کرده‏اند. یادآوری می‏شود: ابوعلی روزهای آخر عمر را در اصفهان گذراند و در همان شهر چشم از جهان فروبست و همان‏جا مدفون شد. محل قبر او را محله خواجو نوشته‏اند (خوانساری، 1/257)، اما قمی (سفینة 2/540 و الکنی، 1/409) مرقد او را درب جناد یا درب جناب (دروازه حسن‏آباد کنونی) و مدرسی (8/208) تخت پولاد آورده است.

منابع :

- آقا بزرگ، الزریعة.

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الانباء، به کوشش آگوست مولر، قاهره، 1299 ق.

- ابن سینا، رسائل، قم، 1400 ق.

- ابوبکر خوارزمی، محمدبن عباس، رسائل، بمبئی، 1301 ق.

- ابوحیان توحیدی، علی بن محمد، الامتاع و الموءانسة، به کوشش احمدامین و احمد زین قاهره، 1942 م.

- ابوسلیمان سحبستانی، محمد بن طاهر، صوان الحکمة، به کوشش عبدالرحمن بدوی، تهران، 1974 م.

- ابوعلی مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الامم، به کوشش ابوالقاسم امامی تهران، 1366 ش.

- اقبال لاهوری، محمد. سیر فلسفه در ایران، ترجمه امیر حسین آریان‏پور، تهران، 1349 ش؛

- امین ، محسن، اعیان الشیعه، به کوشش حسن امین، بیروت، 1403 ق/ 1983 م .

- امین، عبدالحسین، الغدیر، بیروت 1403 ق، 1983 م.

- بدوی، عبدالرحمن، مقدمه بر جاویدان خرد (نک: همه ، ابوعلی مسکویه).

- بیرونی، ابوریحان، الصیدنة، به کوشش عباس زریاب، تهران، 1370 ش.

- بیهقی، علی بن زید، تاریخ الحکماء الاسلام، به کوشش محمد کردعلی، دمشق، 1365 ق 1946 م.

- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، تتمة الیتیمة، به کوشش عباسی اقبال آشتیانی، تهران 1353 ق.

- حوفی، احمد محمد، ابوحیان التوحیدی، قاهره، 1376 ق/ 1957 م

- دفاع، علی عبدالله، اسهام علماء العرب والمسلمین، بیروت، 1406 ق/ 1986 م.

- زریق، قسطنطین، تعلیقات بر تهذیب الاخلاق (نک: ه مه ، ابوعلی مسکویه)؛

- ششن، رمضان، فهرس مخطوطات الطب الاسلامی، استانبول، 1404 ق/ 1984 م.

- شوشتری، نورالله، مجالس الموءمنین، تهران 1365 ش.

- شیخو، لویس، «رسالة فی الخوف من الموت». المشرق، بیروت، 1908 م، شم 11.

- طبری، تاریخ.

- عزت، عبدالعزیز، ابن مسکویه (فلسفة الاخلاقیه) قاهره، 1946 م.

- علی بن یوسف، تاریخ الحکماء، اختصار زورنی، به کوشش بولیوس لیپرت، لایپزیک 1903 م.

- قمی، عباس، سفینة بحار الانوار، تهران 1335 ش.

- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، قم، 1385 ق/ 1966 م.

- مارگیلوث؛ دراسات عن المورخین العرب، ترجمه به عربی: حسین عصار، بیروت: دارالثقافه

- مبارک، زکی، الاخلاق عندالغزالی؛ مصر: مطبعة رحمانیه.

- مدرس، محمد علی، ریحانة الادب، تبریز، 1349 ش.

- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، لیدن، 1906 م.

- منطقی، ابوسلیمان، صوان الحکمه و ثلاث رسائل؛ تحقیق و مقدمه عبدالرحمان بدوی تهران: بنیاد فرهنگ، 1974.

Bibliography: Ibn al- Kifti، Tarikh

al- Hukama، ed. Lippert، p. 33 I؛ Yakut، Irshad، ed. Margoliouth، ii. 98 sqq .؛ Amedroz، Note

on the Historian in Caetani s edition، i. p. xvii. sqq.؛ Brockelmann، Gesch. d. arab. Litt.، i. 243.